

﴿ سرود - ترانه ﴾

- ۲ -

بخش سوم در محسنات و فوائد سرود

سرود در جوامع ملل بیش از شعر و خطابه و کتاب و جریده مؤثر است و اخلاق عمومی و جنبش های اجتماعی و حزبی از سرودهای مهیج دلپسند بوجود میاید. سرود . دفتر شعر و منبع احساسات عوام و انگیزنده ذوق و محرک سعی و عمل و سلسله جنبان جنون جنگ و قانون گذار صلح و آرامش ملل نحل عالم بشمار است. اشعار اساتید بزرگ جز قسمت های مختصری که در میان توده ملت حکم سرود پیدا کرده باندازه سرودهای خوش آهنگ و زیباتر کتب در جامعه مؤثر نیست. زیرا عوام پی بمعنی این گونه اشعار نبرده و استفاده نمیتوانند کرد و بهمین سبب شعر هیچ استاد بزرگی باندازه يك سرود خوب مهیج کسب شهرت نکرده و نمیکند .

اشعاری که از اساتید حکم سرود ملی مهیج پیدا کرده منحصر است در چند قسمت از اشعار جنگی فردوسی که ایلات سلاجشور چنانچه نگارنده مکرر دیده است در میدان هولناک رزم بکار برده و بی اختیار بهمن وار خود را بکام اژدهای مرک برتاب میکنند و چند قسمت از مثنویات حکیم نظامی که در مواقع بزم نقل مجالس و زینت محافل است و چند غزل از شیخ بزرگ سعدی شیرازی که ورد زبان خاص و عام گردیده و مثل سایر شده است :

سرود در جامعه بشر بعدی قدیم است که تاریخ را بمبداء ان دست رس نیست و مسلم روزی که بشر توانسته است تکلم کند سرود سازی هم کرده پس مبداء سرود و لغت در هر قوم و ملت یکی است .

(مویه)

غور و تعمق در اخلاق و عادات کوه نشینان و ایلات این نکته را بخوبی واضح

میکند که هر طایفه و قومی برای دور و زود و حال ننگ و بد خویش دوا هانگ مناسب با کلمات ملایم تلفیق و ترکیب کرده و همواره بکار برده است یعنی در روز خوشی و خرمی و جشن و عروسی سرود ساز و در سر شب سوگواری و غم مویه انگیز گشته است مویه نوای حزن و سوگواری است و هنوز در تمام ایلات و عشایر مانند زمان قدیم مرسوم و معمولست نظامی فرماید در سوگواری مادر لیلی پس از مرگ لیلی و اینگونه سخن از حیز قدرت بشر بیرونست

هر مویه که بود خواندش از بر هر موی که بود کندش از سر

شبهه - اپرت

شبهه خوانی و تعزیه معمول قدیم ایران مرکب است از سرود و مویه که در قسمت های رزم و جشن سرود و در قسمت سوگواری مویه بکار رفته است. اختراع این کار در ایران شده و برای پیشرفت مقاصد مذهبی بهترین راه بوده است. در قسمت های موسیقی و آهنگ دقت های کامل از طرف اساتید موسیقی بکار رفته و در حقیقت میتوان گفت بوسیله شبهه خوانی موسیقی محفوظ مانده چنانچه آهنگ خواندن شعر ظالم ملایم باشم و آهنگ خواندن حسین مظلوم مناسب با حسین است.

برخلاف نمایش و اپراهای کنونی که از این قسمت هم مثل چیز های دیگر بی بهره است چنانچه چندی قبل دیدم که در یک نمایش (شیرین و فرهاد) که اتفاقاً اشعار نظامی هم در آن خوانده میشد. فرهاد کوهکن در حال کوه کردن با آهنگ امام زین العابدین بیمار شعر میخواند :

اروپائیان اپرا و اپرت و نمایش هارا مسلم از شبهه و تعزیه خوانی ایرانیان اقتباس کرده و باین پایه از ترقی و تعالی رسانیده و فوائد اخلاقی و اجتماعی فراوان از آن برده اند.

در ایران هم امروز بدستاری شعرا و اساتید فن موسیقی این صنعت باید

تکمیل و در قسمت های سرود و مویه دقت کامل بکار رفت و تناسب مدحوظ افتد و ازین راه دردهای بیدوای جبهه عمومی مداوا و احیاءات زنده و مات ازین سستی و نادانی و بندگی و ذلت آزاد گردد.

برای تهذیب اخلاق عمومی و سائلی چند از قبیل موعظه و خطابه و کتب مذهبی وجود داشته و دارد ولی این مقدار برای توده کافی نیست و راه بیداری جامعه و تهذیب اخلاق آنان فقط سرود یا اپراست .

اسانید شعر و موسیقی باستان ما هر ازین نکات غافل نبوده و چنانچه در بخش دوم در شماره پیش اشارت رفت بسرود اهمیت بسیار داده اند و مجالس سماع عرفای بزرگ سرچشمه ترویج و تشویق این صنعت بوده ولی در عصر صفویه یعنی در همان عصریکه اروپا ترقی و تعالی خویش را بوسیله علوم حکمت و ریاضی مخصوصا موسیقی و سرود آغاز کرد در ایران آموختن علم حکمت و ریاضی و موسیقی بر خلاف مصلحت کیش و کشور ممنوع و حرام شد چنانچه وقف نامه های مدارس عصر صفوی بر این معنی گواهد است .

درین مقام هر چند از موضوع خارج است ولی از بیان يك نکته ناگزیریم . بعضی از متجددین بی سواد که فقط برای آنکه متجدد باشند تمام نوامیس قدیم ملی ایرانرا نکوهش کرده و کورکورانه روز را شب و شب را روز معرفی میکنند در صورتیکه هیچ با موسیقی آشنا نبوده و حق مداخله و سخن ندارند مگر از آنان میشنویم که چون موسیقی ایران حزن انگیز است و بس باید ازین برود !! این متجددین بیچاره را غالباً میدانم که حزن و شادی را فرق نمیگذارند تا باهنگ حزن و شادی چه رسد .

برای رفع این شبهه بشهادت اسانید موسیقی قدیم و جدید ایران و اروپائیان که آشنا با موسیقی ایران هستند میگوئیم . موسیقی ایران از سایر ممالک تر و جامع تر و

تمام حالات حزن و شادی خنده و گریه خواب و بیداری را در بر دارد .
 موسیقی ایران با آنکه بکلی از بین رفته و از کتب قدیم موسیقی هیچ کس
 امروز نمیتواند استفاده کند ولی اینمقدار هم که باقیست هنوز مثل اشعار اساتید
 باستانی ایران بر تمام دنیا رجحان دارد .
 ابن خلدکان در شرح حال حکیم بزرگ ابونصر فارابی میذکارد و خلاصه
 ترجمه اش این است .

فارابی بالبأس معمول عوام که رسم همیشه او بود بمجلس سیف الدوله ابن
 حمدون سلطان دمشق ناشناس وارد گردید .
 سیف الدوله گفت یا شیخ بنشین . گفت بجائی که مرا شاید یا امیر را سزد .
 گفت جائیکه ترا شاید . فارابی ساحت مجلس را در نوردید و بر مسند امیر نشست
 چنانچه امیر از مسند بعقب رانده شد .
 سیف الدوله بالغتی خاص که غیر از خود و غلامانش کسی نمیدانست بغلامان
 گفت که این شیخ پاس حرمت ما را نداشت اینک مسائلی از اومی پرسر و اگر ندانست
 او را از جای بر خیزانید .
 فارابی بهمان زبان گفت ای امیر صبر کن زیرا هر کاری بانجام خویش
 مرهونست . سیف الدوله با تعجب گفت مگر این زبانرا خوب میدانستی گفت بلی
 با هفتاد زبان دیگر .

علما و حضار مجلس اول در مقام مباحثه با حکیم بر آمده ولی در تمام علوم و
 فنون همه مغلوب شده آخر الامر با استادی او تصدیق کردند .
 سیف الدوله حکیم را در خلوت طلبیده پرسید از اکل و شرب و سماع کدام
 یک مطبوع است حکیم اکل و شرب را رد و سماع نعمات موسیقی را قبول کرد
 سیف الدوله مغنیان ماهر را تمام حاضر کرده و بزمنی خاص مهیا ساخت ولی

هر کس خواست سازی بنوازد مورد ایراد و خورده گیری حکیم واقع گردید .
 سیف الدواہ پرسید که مگر حکیم از این صنعت هم بهره مند است گفت آری
 پس خریطه را برگشود و چند پارچه چوب بیرون آورده بهم متصل ساخت و آهنگی
 شروع کرده تمام اهل مجلس را بی اختیار بخنده آورد . انگاه عود هارا گشوده
 نوع دیگر ترکیب کرد و نواخت چنانچه تمام اهل مجلس بی اختیار بگریه افتادند . پس
 نوع دیگر ترکیب کرده و نواخت و تمام مجلسیان حتی در بانرا بخواب کرده و
 از مجلس بیرون رفت . انتهى .

بخش چهارم تفاوت بین سرود و شعر

در شعر فارسی مانند عربی مراعات تمام از قوانین نحو و صرف و عروض و
 قوافی شرط است و اگر مراعات نشود شعر غلط و شاعر یاوه گو و در سلك
 (شعرای انقلابی) این زمان که مطابق اصول (سیلاب فرانسوی شعر فارسی میسازند
 منسلك خواهد بود .

ولی در سرود تمام اقسام آن مراعات این قواعد بنحو امر ضرورت ندارد و
 چون سرود در حقیقت دفتر تعلیم و تربیت اخلاقی عوام است بیشتر مراعات جنبه
 عوام در آن شرط است چنانچه در بعضی از اقسام شعر عرب مانند زجل و قوما غلط
 و لحن مغفراست و در بخش اول بدان اشارت رفت .

تا تصور نرود که مآثرات بیهوده سرایان نادان بی ذوق را میخواهیم بنام سرود تصدیق
 کنیم میگوئیم سرود باید دارای معانی بکر اخلاقی و مضامین لطیف باشد و از حیث
 ترکیب الفاظ سهل و ساده و دلپسند و عامیانه باشد . چنانچه پاره الفاظ بقصیده اختصاص دارد و در
 غزل بکار نمیرود بایستی پاره از الفاظ اختصاصی غزل نیز نه از ذهن عوام دور است در
 سرود بکار نرود .

در يك سرود پنج شش وزن از يك بحر یا بیشتر جایز است جمع گردد



ولی در شعر ممنوع است و همچنین مراعات کامل از اصول قوافی و نحو و صرف لازم نیست .

وای مهملاتی چند که یاوه سرایان بنام سرود تلفیق کرده و اغلب صفحات گرامافون را بدان آکنده و خراب کرده اند چون جز یکسلسله الفاظ رکیک و بی معنی و مهمل بیش نیست و در زبان عام و خاص هیچ معنی ندارد و منافی ناموس اجتماعی و اخلاقی است ابدأ سرود نبوده و در اولین وحله اصلاحات باید از بین برود و خود بخود خواهد رفت .

خلاصه سخن اینکه در سرود بحر مطبوع و وحدت وزن و مراعات کامل در قواین نحو و صرف و عروض و قوافی شرط نیست ولی این توسعه و عدم شرط محدود است و نباید بغلط کاری و ترهات گوی منتهی گردد

بخش پنجم

از روم تدوین قواعد سرود

بحکم احتیاج و بدستیاری شعرا و ادبای عروض و قوافی دان کامل موسیقی شناس بایستی امروز اصول و قواعدی برای سرود تدوین و تالیف گردد و راه غلط و هرچ و مرج مسدود شود. *مرکز جامع علوم انسانی* همان گونه که شعر دارای محور و اوزان متعدد است سرود هم باید دارای محور بسیار و اوزان بیشتر گردد و برای هر بحر و هر وزن اسم خاصی مصطلح شود .

اساتید قدیم کمرویش برای سرود بحر و اسم درکار داشته اند مانند ترانه و او را منان چنانچه در بخش دوم اشارت رفت ولی چون امروز نتیجه زحمات آنان مارا در دست نیست و حوادث از بین برده پس بایستی از نو طرح این صنعت و فن واجب ریخته شود .

برای سرود بیش از شعر میتوان بحور و اوزان معین کرد زیرا وزن سرود را آهنگ موسیقی منظم و منسق میدارد و یکوزن منحصر مانند شعر نخواهد داشت. در تدوین این قواعد باید اغلاط جایز نحو و صرف و عروض و قوافی را در سرود معین و محدود کرد.

باید مدلل داشت که با قواعد (سیلاب) که مخصوص شعر فرانسوی است چنانچه شعر فارسی نمیتوان گفت سرود هر نمیتوان ساخت .

باید مبرهن ساخت که عام عروض در سرود نهایت ضرورت را دارد و اگر شاعری عروض نداند سرود او هم مانند شعرش غلط خواهد بود و اگر استاد موسیقی عروض نداند از عهده آهنگ سازی بر نمی آید .

باید با ستایند موسیقی کوشزد کرد که هنگام ساختن آهنگ قواعد لازم عروضی را در نظر گیرند و گرنه سرود خراب و باعث خرابی آهنگ نیز خواهد شد .

بعقیده ما سبب عمده برتری سرود های (عارف) بر دیگران یعنی بر شعرای سرود ساز نه مهمل گویان همان مراعات جنبه عروضی است و چون آهنگ و شعر هر دو را خود میسازد (برخلاف دیگران که آهنگ از استاد موسیقی و شعر از خودشانست) و اصول عروضی لازم در سرود را مطابق ذوق و سلیقه مراعات میکند سرود و آهنگ را بدرجه کمال زیبایی و شیوایی رسانیده است .

❖ بخش ششم ❖

❖ اختراع و ابتکار ما درین باب ❖

سال گذشته در نتیجه اجبار بعملی ادبیات دارالفنون و تدریس و مطالعه کتب عروض و قوافی بدین نکته پی بردیم که سرود سازی در استایند باستان رونقی بسزا داشته و اغلب اوزان نامطبوعی که در کتب عروض مسطور است و بکار شعر نمی آید در سرود بکار میرفته است .

بدین سبب مصمم شدیم که رویه اساتید کهن راتازه کرده بحور و اوزان سرود را مرتب و اصول و قواعد آنرا مطابق ذوق عمومی و تاریخ ادب مدون سازیم. تا درجه که وقت و روزگار اجازت میداد درین مقصود موفق شده و در ضمن تدریس عروض اوزان هر بحری از بحور فارسی را بر دو قسم یکی گوارا و دیگری ناگوار متقسم ساخته و تقریباً برای سرود دو یست وزن ناگوار تهیه کردیم.

اگر موانع از پیش برداشته شد و توانستیم بکار خویشتن پرداخته اوراق پراکنده را جمع و طبع و منتشر کنیم مسام اوزان سرود را بهزار رسانیده و در چند بحر با سامی خاص گنجانیده اصول و قواعد سرود را شالود درین خواهیم شد تا برین شالوده اساتید دیگر در زمان آینده کاخ‌های بلند ادبی برافراشته و بار دیگر سرود و موسیقی در کشور ایران مقام نخستین شامخ خود را دریابد.

اساتید فن موسیقی هر گاه مختصری عروض بدانند آنوقت میتوانند آهنگ‌های دلپذیر نوین خویش را بایکی یا چند از آن اوزان تطبیق کرده یعنی آن آهنگ را با افاعیل و تفاعیل عروضی تقطیع کرده بدست شاعر سرود ساز بدهند.

شاعر عروض شناس هم بدون زحمت مطابق افاعیل سرود را تهیه کرده و در اولین امتحان سرود با ساز و آواز چنانچه خود مکرر امتحان کرده ایم خواهد دید که بدون کم و زیاد با آهنگ مطابق و ابدأ در کلمات شکستگی و مدو قصر و عطف بیجا وجود ندارد.

دقایق آهنگ موسیقی را جز بتقطیع صحیح عروضی نمیتوان دریافت چنانچه صحیح و سقیم اوزان عروضی را هر گاه گاه اساتید فقط بوسیله آلات موسیقی توانسته اند معین کنند.

شمس قیس در صفحه ۱۴۶ از کتاب المعجم در این موضوع که شعرای قدیم در فلهویات و اورامنان که مخصوص سرود بوده بهر هزج و مشاکل را بهم آمیخته اند

و مطابق اصول عروضی غلط است چنین مینگارد :

کافه فضلا و عامه شعرای فارس و عراق باتفاق در این باب مراخلاف کردند و بر تصویب ایشان و تخطئه من اصرار نمود و بهیچ حجت شعری و علت عروضی وجه خلل این وزن در طبع ایشان نمی نشست و زحف آن پیش خاطر ایشان روشن نمیشد - تا روزی که جمعی از اعیان آن قوم و وجوه آن گروه تجشم نموده بودند و بر سر پرسش جمال داده و ساعتی از هر نوع بحثی میگردیدیم و زمانی بسماع صوفیانه تملل مینمود . دوستی از اهل طبع که در نظم و نثر دستی داشت و از عطیت (یزید فی الخلق ما یشاء) که در بعضی تفاسیر آنرا آواز خوش تاویل کرده اند نصیبی تمام چون مجلس از اغیار خالی دید و مجالس را بزیور اتحاد حالی یافت بیتی چند از خسرو و شیرین نظامی به لحنی خوش و آوازی دلکش بر میخواند و با چند ظریف آنرا ضربی خفیف میزد .

من گفتم همانا از فهلویات هر چه برین وزنست به نسبت همین لحن برتوان گفت و در قسمت همین ضرب توان آورد . همه باتفاق گفتند جمله فهلویات برین وزنست و همه اورامتان بدین اصل . پس من بیتی چند پهلوی بر (مفاعیلن مفاعیلن فعولن) از ایشان باز خواستم و با ایشان بر همان سیل گاه پیش رو شدم و گاه رسیل تا طبع ایشان بر آن لحن قرار گرفت و دست ایشان بر آن ضرب روان شد . ناگاه بیتی دیگر مختلف ترکیب القا کردم و خود را از اختلاف ترکیب آن غافل ساخت . ایشان چون سه مصراع بر ضرب و صوت مالوف بر گفتند و در اول مصراع چهارم (بفاع لاتن) رسیدند دستهایشان از ضرب فرو ماند و اصوات از لحن بایستاد و از اختلاف لحن و ضرب بر اختلاف بحر و وزن استدلال کردند و بخلل بعضی از اوزان فهلویات اعتراف آورد . انهی